

بررسی تاثیر محیط و فرهنگ بر میزان یاددهی و یادگیری دانش آموزان دوره ابتدایی

اله یار کمری^۱، فروزان معطری^۲، نوذر تونک^۳، عارف صیفی زاده دوره^۴

۱-مدرس دانشگاه پیام نور مرکز گیلانغرب

۲_ معاونت آموزش ابتدایی ناحیه ۲ شهرستان کرمانشاه(کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی)

۳_ مدیر دبستان دوره ی دوم حضرت ولیعصر شهر کرمانشاه(کارشناسی ارشد رشته فلسفه آموزش و پرورش)

۴_ کارشناسی ارشد رشته مدیریت آموزشی

چکیده

آموزش و پرورش، زیر بنای توسعه اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی هر جامعه است. بررسی عوامل مؤثر بر پیشرفت و ترقی جوامع پیشرفته نشان می دهد که همه این کشورها، آموزش و پرورش توانمند و کارآمدی داشته اند. فضای فیزیکی به عنوان یکی از اجزای محیط یادگیری، بر کیفیت آموزش و همچنین میزان یادگیری تأثیر بسزایی دارد و از عوامل مهم و مؤثر بر یادگیری و جزو جدایی ناپذیر فرایند تدریس محسوب می شود. هدف از این پژوهش بررسی تاثیر محیط و فرهنگ بر میزان یاددهی و یادگیری دانش آموزان دوره ابتدایی است. روش بررسی در این پژوهش مبتنی بر مطالعات کتابخانه ای، اسنادی و مطالعات پیشین می باشد. براساس این پژوهش طرح فضاهای آموزشی می تواند باعث رشد و یا بازدارندگی در امر یادگیری باشد و در مقطع ابتدایی بیشترین تاثیر را دارد و علاوه بر رشد ذهنی، علاقه ی دانش آموزان نسبت به یادگیری بیشتر خواهد بود. نتایج نشان داد محیط یادگیری که همه بخش های آن قابلیت تبدیل شدن به محدوده ای برای یادگیری دارد، حس جستجوگری کودک را در قلب خود قرار می دهد، و عامل کلیدی برای یادگیری ابتدا فرهنگ و سپس محیط آموزش است. آموزش و پرورش، کلید فتح آینده است و از دیر باز انتظار از آموزش و پرورش آن بوده که انسان های فردا را تربیت کند و نسل امروز را برای زندگی در جامعه فردا آماده سازد.

واژگان کلیدی: یادگیری، دانش آموزان، محیط آموزشی

مقدمه

فضای فیزیکی به‌عنوان یکی از اجزای محیط یادگیری، بر کیفیت آموزش و همچنین میزان یادگیری تأثیر بسزایی دارد و از عوامل مهم و مؤثر بر یادگیری و جزو جدایی ناپذیر فرایند تدریس محسوب می‌شود. در تأمین محیط فیزیکی باید کلیه وجوه این محیط، از جمله درجه حرارت، میزان روشنایی، تهویه مناسب، طرز چینش صندلیها و مساحت کلاس فضای آموزشی به‌عنوان یکی از مهمترین اجزای محیط فیزیکی است که در یک محیط آموزشی نیازمند بررسی می‌باشد. فرهنگ یادگیری مفهوم تازه‌ای است که در دهه‌های اخیر وارد ادبیات آموزشی شده است. با توجه به این مفهوم کلیه عناصر برنامه درسی، رفتارهای آموزشی معلم و یادگیرنده که در یک محیط یادگیری با یکدیگر تعامل پیدا می‌کنند، از بستر فرهنگی آن محیط تأثیر می‌پذیرند.

فرهنگ مدرسه دربرگیرنده ارزش‌ها، باورها، نگرش‌ها و گرایش‌ها، هنجارها، ادراکات و دیدگاه‌های حاکم بر اعضا و فضای مدرسه و عناصر برنامه درسی است و چگونگی روابط و تعاملات بین اعضای مدرسه همچون مدیر، معلم، مربی، دانش‌آموزان، کارکنان دفتری و خدمت‌گذاران را تعیین می‌کند که بر اهداف مدرسه از جمله پیشرفت تحصیلی، روابط اجتماعی، عاطفی و تربیت اخلاقی دانش‌آموزان تأثیرگذار است. مدرسه بعد از محیط خانواده اولین فضای اجتماعی است که کودکان وارد می‌شوند که بر رشد ذهنی، فکری، روانی، شناختی، عاطفی و اخلاقی آنان نقش عمده‌ای را بر جای می‌گذارد. (احمدی، نباتی، ۱۳۹۵)

درس دادن در یک محیط و فرهنگ خودی فعالیتی است که در آن زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی و وجود شیوه‌های متفاوت فکری، یادگیری و تعلیمی به طرق بسیار پیچیده برهم تأثیر می‌گذارند. کلاس درس حتی درجایی که همه متعلق به یک فرهنگ هستند یک محیط فرهنگی اجتماعی پیچیده است. سن، جنسیت، انتظارات از نقش جنسیت، ظاهر و توقعات پوششی، و انتظارات بی‌شمار از نقش‌های دیگر، وضعیت اجتماعی اقتصادی و شخصیت‌های متفاوت دانش‌آموزان و معلمان، مؤثر بودن آموزش و میزان یادگیری که همه در کلاس درس رخ می‌دهد، فرهنگی که خانواده در زندگی به کار می‌گیرند، تأثیرات متفاوتی بر روابط متقابل دارد. این موقعیت؛ وقتی که دانش‌آموز و مربی از دو فرهنگ متفاوت باشند حتی پیچیده‌تر هم می‌شود. فرهنگ و خرده‌فرهنگ بر نگرش‌ها، فرضیات، توقعات، شیوه و عملکرد مربیان و دانش‌آموزان تأثیر می‌گذارد. همان‌گونه که روان‌شناسان در بررسی مسائل آموزشی، همواره عوامل گوناگون چون خانواده، معلم، روش تدریس، کتب درسی، مدیریت آموزشی و غیره را به‌عنوان عوامل مؤثر در فرایند تحصیلی مورد تأکید قرار می‌دهند، محیط و فرهنگ را نیز به‌عنوان عملی زنده و پویا در کیفیت فعالیت‌های آموزشی و تربیتی دانش‌آموزان مؤثر می‌دانند. (لطف عطا، ۸۷، ص ۲)

رابطه‌ای که محیط و فرهنگ در پیشرفت و یادگیری دانش‌آموز می‌تواند داشته باشد چنان عمیق و از لحاظ محتوایی به هم نزدیک‌اند، که از معیار گران‌دردی برخوردار است. اهمیت و ارزش یادگیری نیز در نزد انسان با توجه به فرهنگ هنگامی نمایان می‌شود که ما را از تمام آنچه آموخته‌ایم محروم سازند. در این صورت با آنکه از نظر فیزیولوژیکی فردی بالغ و طبیعی خواهیم بود اما از نظر مسائل روانی به دوره‌های کودکی برگشت خواهیم کرد، در این حالت تمامی احتیاجات فیزیولوژیک ما مانند گرسنگی و تشنگی باقی خواهند ماند ولی طرق ارضای این نیازها را نخواهیم دانست و در واقع در زندگی عاجز خواهیم بود. همچنین بیشتر انگیزه‌ها، امیال، ادراکات و احساسات و شخصیت آدمی در اثر یادگیری شکل می‌گیرند. یادگیری ارتباط بسیار نزدیکی با رفتار و اعمال موجود زنده دارد.

در یک نگاه سیستمی به محیط آموزشی، اصول و عناصر تشکیل‌دهنده آن نظیر تناسب اجزاء، مقیاس، نوع سازمان‌دهی فضا، رنگ، نور، صدا، فضای باز محوطه و ... می‌توانند اثرات قابل‌توجهی بر یادگیری و آموزش دانش‌آموزان باقی بگذارند. (فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۲۱، سال ۸۷، ص ۵)

فرهنگ هر جامعه منحصر به فرد است و زبان، هنجارها، ارزش‌ها، باورها، مذهب، تجمع‌های اجتماعی، قواعد و بیانات و تلفیق خرده‌فرهنگ‌ها را در برمی‌گیرد (مانهور، ۲۰۰۸). مهم‌ترین ویژگی فرهنگ این است که مختص جامعه‌ای است که در آن

شکل گرفته است و در آن جامعه خاص معنا پیدا می‌کند. تمامی نهادهای اجتماعی از جمله نهادهای آموزشی محصول فرهنگ جامعه خود و فرهنگ‌آفرین این جوامع هستند. تعامل فرهنگ و نهادهای آموزشی و سایر نهادها به گونه‌ای است که حتی حرکت در مسیر توسعه و جهانی شدن بدون این تعامل میسر نیست (علیپور، افضل‌خانی، ۱۳۸۹، ص ۱۵۲)

در تحلیل و بررسی رابطه محیط و فرهنگ با یادگیری می‌توان پیش زمینه‌ای جهت شناسایی عوامل مثرتر در جهت بهبود و یا افزایش یادگیری دانش‌آموزان در محیط آموزش و اخذ راهکارهای خلاقانه جهت توسعه یادگیری با توجه به فرهنگ و محیط حاکم مد نظر قرار داد؛ که این امر سبب بازدهی بهتر و ترقی دانش‌آموزان در شیوه یادگیری خواهد شد، دنباله رو آن سبب ایجاد برنامه‌های توسعه همه جانبه در نظام آموزشی را ایجاد خواهد کرد. مشکلات فرهنگی و ریشه دار بودن آن، جو حاکم بر خانواده و عدم ارتباط دانش‌آموزان با محیط در روحیه و میزان یادگیری وی تأثیر فراوانی می‌گذارد و باعث کندی آموزش و یا عدم یادگیری دانش‌آموزان خواهد شد. که به شدت سبب تضعیف روحیه و افت تحصیلی خواهد شد.

بررسی چالش‌ها و مشکلات یادگیری با در نظر گرفتن تأثیر محیط و فرهنگ بر یادگیری و ارائه راهبردها همراه با ضرورت‌های تدوین و ایجاد اصول متناسب با محیط آموزش و فرهنگ در جذب دانش‌آموزان در یادگیری هدف این مقاله را مشخص می‌کند که باید با توجه به برنامه آموزشی که اساساً یک راهکار علمی است و مقوله‌ای فرهنگی و حساس به حساب می‌آید به‌عنوان یک چشم انداز آتی در نظام آموزشی به کار گیرد.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

کمیت و کیفیت فضاها در آموزش و یادگیری نقش به‌سزایی دارد گرما یا سرمای بیش از حد کلاس، نامناسب بودن نور و نظافت کلاس، سرو صدای غیر معقول و تعداد بیش از حد دانش‌آموزان در کلاس موجب کاهش کیفیت تدریس و یادگیری می‌شود.

معماری مدارس یکی از پارامترهای موثر تربیتی و آموزشی در امر تعلیم و تربیت نوین به شمار می‌رود و همانگونه که صاحبان اندیشه در بررسی مسائل آموزی همواره عوامل گوناگون چون خانواده، معلم، روش تدریس، کتب درسی مدیریت آموزشی و غیره را به عنوان عوامل موثر در فرآیند تحصیلی مورد تأکید قرار می‌دهند معماری یا فضای فیزیکی مدرسه نیز در این میان به عنوان یک عامل زنده و پویا در کیفیت فعالیت‌های آموزشی و تربیتی دانش‌آموزان ایفای نقش می‌کند.

در یک نگاه سیستمی، چگونگی معماری مدارس و اصول و عناصر تشکیل دهنده آن نظیر فرم تناسب و مقیاس، نوع سازمان دهی فضائی، رنگ، نور، صدا، تجهیزات و فضای باز محوطه و ... می‌تواند اثرات قابل توجهی بر دانش‌آموزان باقی بگذارند. مدرسه زیبا یادگیری را آسان کرده و نشاط و شادابی را برای کودکان و نوجوانان را ارمغان می‌آورد و مدرسه نامناسب و تنگ و تاریک و خشک و بی‌روح، خمودی و کسالت و افسردگی را برای دانش‌آموزان به همراه داشته و بر میزان یادگیری در حضور فعال و با نشاط آنان در مدرسه تأثیر منفی می‌گذارد.

در محیط مدرسه ای که کلاس‌های آن به اندازه کافی، نور وجود نداشته باشد، خستگی زودرس چشم و در نهایت بی‌توجهی دانش‌آموزان را نسبت به درس باعث می‌شود و صدای نامناسب باعث خستگی بدن، کم شدن میزان دید و کم شدن تشخیص رنگها و در نهایت کاهش ظرفیت بازدهی کاری دانش‌آموزان می‌گردد.

فضاهای آموزشی به دلیل محدودیت‌های خاص خود برای خشک و بی روح شدن مستعد است اما باید تمام تلاش‌ها را به کار گرفت تا از وقوع این حادثه جلوگیری کرد. اهمیت دادن به فضاهای آموزشی و رعایت اصول و استانداردهای مربوط به آن در طراحی این مراکز منجر به خلق محیطی متناسب با خواسته‌های روانی دانش‌آموزان و در نتیجه جامعه می‌گردد. ریشه علاقه هر دانش‌آموز به آموختن در مدرسه و قرار گرفتن در محیط آموزشی شکل می‌گیرد و در صورت ناهماهنگ بودن محیط با انتظارات فرد حس دافعه و عدم علاقه به یادگیری در فراگیر شکل می‌گیرد.

شکل و چیدمان کلاسها، رنگ، نور و تهویه، امکانات آموزشی، دکوراسیون داخلی و همه و همه در آموزش‌پذیری و ایجاد علاقه و رغبت در دانش‌آموزان مؤثر است (فرخ نیا، ۱۳۹۰).

در حال حاضر کمتر ساختمان آموزشی را می‌توان دید که دارای تمام اسلوب‌ها و استانداردها باشد اما امید می‌رود در ساخت بناهای جدید آموزشی این استانداردها رعایت گردد.

یکی از عوامل مؤثر یادگیری و تربیتی در آموزش و پرورش نوین، چگونگی معماری، کالبد و فضای آموزشی است. در محیط یادگیری جدید، فضای کالبدی آموزشی باید چنان باشد که، به‌عنوان عاملی زنده و پویا، در کیفیت فعالیت‌های آموزشی و تربیتی فراگیران ایفای نقش کند. بدین معنا که فعالیت‌های آموزشی و پرورشی بایستی در فضاهای مناسب و دارای ابعاد استاندارد و بر اساس نیازها و علایق دانش‌آموزان انجام پذیرد تا معلم در تدریس و شاگرد در یادگیری احساس رغبت و انگیزه نموده و از فعالیت خود لذت برند (طبائیان و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۴۹)

کلید هر تعریفی از محیط، در این نکته نهفته است که، محیط دارای ویژگی « احاطه کنندگی » است. این ویژگی منجر به ایجاد مشکلات مفهومی و اصطلاح شناختی در فهم معانی‌ای می‌شود که هنگام استفاده از واژه محیط بدان داده می‌شود. ادبیات محیط و رفتار در تعاریف گسترده‌تر از محیط، بین واژه‌های متنوع (۱) محیط کالبدی (۲) محیط اجتماعی (۳) محیط روانشناختی (۴) محیط رفتاری تمایز قائل می‌شود. نکته اصلی این طبقه بندی‌ها و دیگر دسته بندی‌هایی مثل اینها، تمایز بین جهان واقعی، حقیقی یا عینی اطراف انسان و جهان پدیدار شناختی است که خودآگاه یا ناخودآگاه، الگوهای رفتاری با واکنش‌های روحی مردم را تحت تأثیر قرار می‌دهد. (لنگ، ۱۳۸۳، ص ۵۵)

آموزش در دیگر حیطه‌ها، محیط آموزشی مطلوب، یکی از عوامل تعیین کننده کیفیت آموزش است. محیط آموزشی از سه مؤلفه فیزیکی، فرهنگی و اقتصادی تشکیل شده است. فضای فیزیکی آموزشی به‌عنوان یکی از اجزای محیط یادگیری، بر کیفیت آموزش دانش‌آموزان تأثیر بسزایی دارد و از عوامل مهم و مؤثر بر یادگیری و جزو جدایی ناپذیر فرایند تدریس محسوب می‌شود. در تأمین محیط فیزیکی یک دانشگاه باید کلیه وجوه این محیط، از جمله درجه حرارت، میزان روشنایی، تهویه مناسب، طرز چینش صندلی‌ها و مساحت کلاس و همچنین نیازهای گروه هدف در نظر گرفته شود. اندازه و مساحت کلاس فضای آموزشی به‌عنوان یکی از مهمترین اجزای محیط فیزیکی است که در یک محیط آموزشی نیازمند بررسی می‌باشد. (حقانی و همکاران، ۱۳۸۷، ص ۲۴۰)

تجربه هر فرد در زندگی و مهارت‌هایی که کسب می‌نماید مربوط به شرایط محیطی و محصول تأثیر متقابل میان آن فرد و محیطی است که در آن زندگی می‌کند، فعالیت به‌عنوان عامل اصلی رشد و یادگیری کودک فرآیندی است که در ارتباط با فضا و محیط کودک، رشد همه جانبه او را موجب می‌گردد و محیط با ایجاد فرصت و تحریک و تشویق کودک در رفتار او تأثیر می‌گذارد. از این رو محیط باید حمایت کافی برای رشد مطلوب دانش‌آموزان به عمل آورد. (شریعتمداری، ۱۳۸۵، ص ۸).

در یک تقسیم بندی کلی می‌توان در حال حاضر چهار محیط را در یادگیری مؤثر دانست:

۱- مدرسه: مدرسه رسمی‌ترین نهاد آموزشی و پرورشی در سنین کودکی و نوجوانی است.

۲- خانواده: از سپیده دم تاریخ بشر تاکنون، خانواده به‌عنوان یک نهاد اساسی در نگهداری و تربیت فرزندان، نقش منحصر به فردی ایفا نموده.

۳- اجتماع: اجتماع نظام پیچیده‌ای است که این امکان را فراهم می‌آورد تا افراد تحت تأثیر عوامل مختلف در آن به تعامل با یکدیگر بپردازند.

۴- رسانه‌های جمعی و اینترنت: رسانه‌های جمعی و اینترنت را می‌توان ابزارهای آموزشی مدرن نامید که به تنهایی می‌توانند تعاملات موجود در هر یک از محیط‌های سه گانه قبلی را تحت الشعاع قرار داده و حتی تأثیرات آموزشی آنها را ناچیز نموده یا آن را خنثی نمایند.

محصّلین و دانش‌آموزان پس از محیط مسکونی خود بیشترین ساعات روز را در واحدهای آموزشی می‌گذرانند. با توجه به نقش اساسی آموزش در فرآیند شکل‌دهی به فرهنگ جامعه لازم است علاوه بر اهمیت دادن به فرآیند آموزش به ایجاد محیط مطلوب که شوق و انگیزه را نسبت به فرآیند یاددهی-یادگیری در دانش‌آموزان ایجاد کند توجه کافی و وافی داشت (صیامی، ۱۳۸۰).

عوامل فیزیکی

یکی از ابعاد محیط آموزشی عوامل فیزیکی می‌باشد که در ایجاد انگیزه و اشتیاق به آموزش نمی‌توان از تأثیرات آن غافل شد، عوامل فیزیکی مربوط به محیط‌های آموزشی و جاذب بودن آنها در قسمت‌هایی به شرح ذیل دسته‌بندی و تبیین شده است (صیامی، ۱۳۸۰).

۱- نور و عوامل مربوط به آن مانند میزان و شدت نور، نوع نور (طبیعی یا مصنوعی)؛

۲- ابعاد ظاهری کلاس شامل دیوار، درب و کف کلاس، سرانه مساحت و سرانه فضا؛

۳- رنگ و تأثیر آن بر آموزش و محیط‌های آموزشی؛

۴- حرارت و تهویه کلاس؛

۵- صدا و عوامل مربوط به آن؛

۶- سازمان‌دهی و آرایش کلاس؛

در ادامه مطالب فوق به بررسی این عوامل و تأثیر آنها در روند یاددهی-یادگیری پرداخته شده است.

نور و متغیرهای مربوط به آن

به طور کلی در فرآیند یادگیری، ۸۳ درصد یادگیری به وسیله حس بینایی صورت می‌گیرد بنابراین اگر عمل دیدن با اشکال رو به رو شود، افت در یادگیری ایجاد می‌گردد (صیامی، ۱۳۸۰).

هدف تأمین روشنایی در مدرسه، عبارت از به وجود آوردن محیطی است که در آن، عمل دیدن به بهترین وجه و با حداقل زحمت و کوشش انجام گیرد تا نیروی دانش‌آموزان، صرف جذب اطلاعات و فرآیند یادگیری شود، نه اینکه این نیرو برای مبارزه با اشکالات دیدن- که در محیط کم نور وجود دارد- صرف شود. البته باید یادآوری کنیم که هنگام انجام هر فعالیتی، میزان نور مورد نیاز متفاوت است. روشنایی کلاس از طریق نور طبیعی (پنجره‌ها، دریچه‌ها و...) یا نور مصنوعی (لامپ‌ها و انواع چراغها) تأمین می‌گردد که در هر صورت باید به میزان نور، جهت و کیفیت آن توجه گردد.

تجربیات متعدد نشان داده است که مساحت پنجره‌های شیشه دار باید حداقل به اندازه یک پنجم سطح اتاق باشد تا حداقل روشنایی برای خواندن و نوشتن موجود باشد. از طرف دیگر، از هر اقدامی که موجب تساوی روشنایی برای همه شاگردان شود، نباید دریغ نمود. نور از نظر توزیع باید مطلوب باشد و به صورت یکنواخت پخش شود تا درخشندگی سطوح سبب ناراحتی چشم نگردد. همچنین میزان نور کافی باشد و سایه‌های مزاحم موجود نباشد (نصرافهانی و همکاران، ۱۳۸۰).

ابعاد ظاهری کلاس

در ارتباط با چگونگی ویژگیهای سطوح و ابعاد ظاهری کلاس، به طور کلی می‌توان گفت که دیوارهای کلاس باید خشک، بدون درز، صاف و حداقل تا ارتفاع ۱/۵ متر قابل شستشو بوده و بهتر است از سنگ باشد. دیوار کلاس‌ها باید ساده باشد تا گردوغبار روی آن جمع نشود. کف کلاس‌ها باید قابل شستشو، مسطح و بدون درز بوده، لغزنده و مرطوب نباشد. این نکات در مورد سقف نیز باید رعایت شود.

رنگ نیز باید مورد توجه قرارگیرد و در رنگ‌آمیزی کلاس باید از رنگ‌های آرامش بخش استفاده کرد. رنگ دیوارها بهتر است قابل شستشو باشد. بنابراین، سطوح دیوار و سقف کلاس باید دارای رنگ‌های روشن و کف کلاس بهتر است به رنگ تیره باشد (فسا شکوه، ۱۳۸۱).

نویفرت (۱۳۷۳) در مورد شکل کلاس اظهار می‌دارد که مستطیل یا دوزنقه، بهترین شکل برای کلاس درس است. اشکال مربع، مدور یا بیضی و غیره از لحاظ صوتی مناسب نیست. مساحت‌های بزرگ انحنادار، ایجاد نقاط کانونی کرده، مانعی بزرگ برای صدا ایجاد می‌کند.

برای هر دانش‌آموز ۱/۵ مترمربع زمین و ۵/۵ مترمکعب هوا لازم است. به عبارت دیگر، برای یک کلاس ۳۰ نفری، ابعاد اتاق باید به طول ۸ متر و عرض ۶ تا ۷ متر و ارتفاع ۴ متر باشد. فضای لازم برای هر دانش‌آموز نباید از ۴/۵ مترمکعب و ارتفاع ۳ متر کمتر باشد. بنابراین، درانتخاب یک مکان برای کلاس، باید حجم کلاس و تعداد دانش‌آموزان را مد نظر قرارداد.

رنگ و تأثیر آن بر آموزش و محیط‌های آموزشی

رنگ به‌عنوان عنصر تفکیک‌ناپذیر معماری، تأثیر فراوان بر روح و رفتار کارکنان فضاها و ساختمان‌ها دارد و حالات روانی و عاطفی آنان را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد. انسان پدیده‌های اطراف خویش را همراه با رنگ مشاهده می‌کند و نسبت به آنها واکنش نشان می‌دهد. رنگ‌ها هر یک حاوی پیامی خاص به بینندگان هستند که این موضوع از قدیم‌الایام مورد بررسی و تحقیق روان‌شناسان بوده است. در مدارس، رنگ فضاها و تجهیزات آموزشی به دلیل شرایط سنی و روحی کودکان و نوجوانان از حساسیت بیشتری برخوردار است زیرا این امر در شادابی، نشاط، آرامش روانی، تحرک و تلاش دانش‌آموزان تأثیرگذار بوده و فرآیند یادگیری را افزایش می‌دهد. همچنان که می‌تواند زمینه کسالت، خمودگی، بی‌حرکی، عصبانیت، اضطراب و افسردگی آنان را فراهم آورد (بی نام، ۲۰۱۱).

برای بهره‌وری مطلوب از رنگ باید شرایط سنی، جنسیت و کارکرد هر یک از فضاها مورد توجه قرار گیرد. پیشنهاد استفاده از یک رنگ خاص برای مدارس سراسر کشور امکان‌پذیر نیست زیرا شرایط اقلیمی گوناگون و تفاوت وضعیت آب و هوایی در استان‌ها و مناطق، ضرورت استفاده از رنگ‌های گوناگون را اجتناب‌ناپذیر می‌سازد. برای رنگ‌آمیزی دیوارهای داخلی کلاس‌ها اغلب از رنگ‌های آرام مانند کرم و بژ استفاده می‌شود. برای راهروها و راه‌پله‌ها می‌توان از رنگ‌های سرد و آرام مانند آبی و سبز کم‌رنگ استفاده کرد. این رنگ‌ها در کنترل هیجانات روحی تأثیر به‌سزایی دارند و علاوه بر آرامش محیط، از حوادث احتمالی دانش‌آموزان نیز می‌کاهند (لسی تایلور، ۲۰۱۱).

در سالن‌ها، فضاهای ورزشی و اماکن صرف غذا باید از هماهنگی رنگ‌های کرم مانند (قرمز، نارنجی و زرد) استفاده شود. در سرویس‌های بهداشتی به لحاظ ویژگی‌های فضای آموزشی، استفاده از رنگ سفید مناسب‌تر است. وجود این رنگ و لطمه‌پذیری آن در اثر کم‌ترین آلودگی حداقل هشدار است که مسئولان نظافت فضاها را مجبور به کنترل و نظافت مستمر خواهد کرد (صیامی، ۱۳۸۰).

حرارت و تهویه کلاس

یکی دیگر از عوامل تأثیر گذار بر یادگیری، تجهیزات مناسب برای تولید گرما و سرماست که کم توجهی به آن می‌تواند سبب افت در یادگیری و آسیبهای جانی شود. بر اساس گزارش مؤسسه استاندارد ایران، حرارت ۱۸-۱۶ درجه سانتی‌گراد برای کلاس درس مناسب بوده و وجود جریان هوا برای آن ضروری است. اگر هوای محیط بیش از اندازه گرم باشد، بر مکانیسم تنظیم حرارت بدن فشار وارد آمده و بازده فعالیت‌های فیزیکی و مغزی کاهش خواهد یافت. بنابراین، مشاهده می‌شود که وضعیت حرارت در کلاس، عاملی است که بر چگونگی فعالیت فراگیران و در نتیجه یادگیری آنان اثر می‌گذارد.

در تحقیقی که در دانشگاه‌ها روایت روی دانش‌آموزان مدارس ابتدایی در زمینه هوای لازم صورت گرفت، مشخص شد که اگر فعالیت افراد زیاد شود، میزان هوای لازم از مقدار هوای ضروری در حالت عادی زیادتر خواهد بود. ضمناً هوای کلاس معمولاً سه تا پنج مرتبه در هر ساعت باید تعویض شود زیرا هوای داخل اتاق نباید بیش از یک درصد دی‌اکسیدکربن داشته باشد (قیقی، ۱۳۷۳).

صدا و متغیرهای مربوط به آن

صدا نیز به‌عنوان یکی از عوامل مهم تأثیرگذار بر یادگیری محسوب می‌شود. با اینکه گاهی صداهای بیرون از کلاس به داخل کلاس راه می‌یابد، دانش‌آموزان قدرت شنوایی خود را در اختیار صدای معلم قرار داده و فقط مطالبی را به مغز راه می‌دهند که از معلم می‌شنوند. اگر صداهای بیرون از کلاس بر صدای معلم تفوق یابد، در این صورت فراگیران ناخواسته قدرت شنوایی خود را در اختیار صداهای بیرون نهاده یا حداقل به هیچکدام از صداها حتی به صدای معلم نیز گوش فرا نمی‌دهند. غالباً در این مواقع آشفستگی در فراگیران به وجود می‌آید و اهمیت موقعیت مکانی کلاس در اینجا مشخص می‌گردد. عواملی که بر قابلیت شنوایی افراد تأثیر می‌گذارند، عبارتند از: «شکل اتاق، وسایل اتاق، وضعیت منبع صدا و زمان برگشت صدا» که این عوامل نیز در زمان ساخت فضای آموزشی باید مورد توجه خاص قرار گیرد (قاضی زاده، ۱۳۷۵).

سازمان‌دهی و آرایش کلاس

مهم‌ترین تحول در فضاهای آموزشی، شکستن خط نگاه معلم و دانش‌آموزان و ایجاد فضا برای تعامل دانش‌آموزان با یکدیگر است. بدین منظور اساساً ردیف‌های خطی، مغایر با روحیات دانش‌آموزان شناخته می‌شود. در کلاسهای سنتی که صندلی‌های دانش‌آموزان در ردیف‌های منظم و پشت سرهم چیده می‌شود و میز معلم در جلوی کلاس قرار می‌گیرد، تمام توجه به معلم متمرکز می‌شود و ارتباط میان دانش‌آموزان اندک است. این نظم و ترتیب هنگامی که معلم درسی را برای همه کلاس ارائه می‌دهد، ممکن است بسیار مطلوب باشد، اما یادگیری از همکلاسی‌ها و کارگروهی را غیر ممکن می‌سازد. دانش‌آموزان ردیف آخر کلاس، در فاصله زیادی از معلم قرار دارند و به احتمال زیاد کسانی هستند که مشکلات انضباطی و بی‌نظمی را ایجاد می‌کنند (زینعلی دهشیر، ۱۳۸۹).

در برخی از کلاس‌ها صندلی‌ها دور میزها چیده می‌شود و میز معلم در حاشیه قرار می‌گیرد که این نوع آرایش در کلاس‌های علوم تجربی به کار گرفته می‌شود. اگر امکانات کلاس به صورتی باشد که آرایش دانش‌آموزان به شکل دایره یا U شکل سازمان‌دهی شود، دانش‌آموزان با یکدیگر و با معلم می‌توانند ارتباط متقابل برقرار کنند. در این صورت، معلم جزئی از دانش‌آموزان محسوب شده و می‌تواند علاوه بر تدریس، به راهنمایی و هدایت بحث‌های جمعی دانش‌آموزان نیز بپردازد (صیامی، ۱۳۸۰).

در هر حال، هنگام بررسی طرز چیدن صندلی‌ها در کلاس، توجه به همه دانش‌آموزان، شایان اهمیت است. یکی از نیازهای اساسی کودکان این است که مورد توجه دبیران قرار گیرند، به صورت گروه‌های ۴ یا ۵ نفره کنار هم قرار گیرند و از تعامل با هم وانجام کارهای گروهی زیر نظر معلم به‌عنوان یک راهنما با شوق و علاقه به آموزش بپردازند. چنانچه فضای فیزیکی کلاس مشوق ایجاد

این احساس در دانش‌آموزان باشد، بدون تردید از میزان مسائل و مشکلات انضباطی نیز به طور چشمگیری کاسته خواهد شد (همت، ۱۳۸۸).

فرهنگ یادگیری

فرهنگ یادگیری مفهوم تازه‌ای است که در دهه‌های اخیر وارد ادبیات آموزشی شده است. با توجه به این مفهوم کلیه عناصر برنامه درسی، رفتارهای آموزشی معلم و یادگیرنده که در یک محیط یادگیری با یکدیگر تعامل پیدا می‌کنند، از بستر فرهنگی آن محیط تأثیر می‌پذیرند. با توسعه فاوا و ظهور جوامع اطلاعاتی مهارت‌هایی مانند یادگیری مستقل و مادام‌العمر، یادگیری خودانگیزه، خودرهیاب و کسب مهارت‌های حل مسئله، برنامه ریزی و تصمیم‌گیری در موقعیت‌های پیچیده اولویت بیشتری یافته و از اهداف مهم آموزش و پرورش در سطوح مختلف تلقی می‌شوند. از طرفی فرهنگ یادگیری در ایران از حیث انفعال یادگیرنده، ضعف تعامل بین یادگیرندگان، معلم محوری، علم خودانگیزگی یادگیرندگان و پذیرش بدون تحلیل و نقد اطلاعات با اهداف آموزش و پرورش جامعه اطلاعاتی مغایرت دارد. بر این اساس هدف اصلی مقاله حاضر ارائه برنامه عملیاتی برای اصلاح تدریجی فرهنگ یادگیری به سمت مؤلفه‌های مورد نظر جامعه اطلاعاتی توسط معلم از طریق محیط یادگیری مجازی است.

نتیجه‌گیری

هدف از انجام این پژوهش، بررسی تأثیر محیط و فرهنگ بر میزان یاددهی و یادگیری دانش‌آموزان دوره ابتدایی بوده است. نتایج نشان داد که محیط و فرهنگ حاکم بر آموزش با یادگیری دانش‌آموزان رابطه تنگاتنگی دارد. از بررسی‌های انجام شده در این نوشتار، چنین استنتاج می‌شود که محیط یادگیری که همه بخش‌های آن قابلیت تبدیل شدن به محدوده‌ای برای یادگیری دارد، حس جستجوگری کودک را در قلب خود قرار می‌دهد، و عامل کلیدی برای یادگیری ابتدا فرهنگ و سپس محیط آموزش است. آموزش و پرورش، کلید فتح آینده است و از دیر باز انتظار از آموزش و پرورش آن بوده که انسان‌های فردا را تربیت کند و نسل امروز را برای زندگی در جامعه فردا آماده سازد. رسالت آموزش و پرورش، توان بخشیدن به فرد فرد انسان‌ها در جهت توسعه کامل استعدادهای خود و نیز شناخت توانمندی‌های خلاق خود است و بهره‌گیری صحیح از سیاست‌های اصلاحی به دور از هر گونه افراط و تفریط و یا تعصب کورکورانه می‌تواند دگرگونی‌های مثبتی را در سیستم آموزشی ایجاد کند. کوشش در جهت اصلاحات آموزش و پرورش، مشروط بر ایجاد هماهنگی و تجانس در لایه‌های مختلف نظام آموزش، قرین با توفیق خواهد بود. اجرای یک برنامه مبتنی بر طراحی کیفیت آموزش و پرورش، مستلزم اطلاعات آموزشی جدید می‌باشد و تقویت تصمیم‌گیری توسط افراد و مقامات، مستلزم تعیین مجدد اختیارات و مسؤلیت‌های آموزشی خواهد بود. نهایتاً این که حتی اگر به یک نظام اطلاعات آموزشی به خوبی طراحی و اجرا گردد، آثار آن بر کیفیت آموزشی به واسطه زمینه‌سازمانی که در آن عمل می‌کند، تعیین خواهد شد. بازنگری در مسائل آموزشی نیاز به برنامه ریزی به‌عنوان یک مهارت، تخصیص منابع مالی، انسانی و کالبدی دارد و ایجاد هر نوع تغییری در مقولات یاد شده مستلزم پژوهش‌های آموزشی کیفی و میان‌رشته‌ای است. همچنین برای ترسیم وضع مطلوب ضرورت دارد دورنمای گسترده‌تری در نظر گرفته شده و چشم انداز دقیق‌تری از آینده مدنظر قرار گیرد. در راستای بازنگری و برنامه‌ریزی برای کیفیت بخشی به امر آموزش شرایط فیزیکی محیط آموزشی نیز در کنار سایر عوامل در کارآمدی و اثربخشی کار نقش مهمی را ایفا می‌کند. بنابراین پیشنهاد می‌شود به طراحی فضاهای آموزشی اهمیت ویژه داده شود تا موجبات تسهیل در امر تفکر انتقادی و یادگیری فعال فراهم گردد.

منابع

۱. پارسا، محمد، روان‌شناسی یادگیری بر بنیاد نظریه‌ها، تهران، انتشارات سخن، ۱۳۸۴.

۲. حقانی، فریبا، ملاباشی، رؤیا، جمشیدیان، سپیده و معمارزاده، مهرداد. وضعیت محیط فیزیکی درمانگاه‌های آموزشی بیمارستانهای دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، جزء جدایی ناپذیر فرایند یاددهی- یادگیری در درمانگاه، مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی، ۸ (۲): ۲۳۹-۲۴۵.
۳. سراجی، فرهاد، محیط یادگیری مجازی، امکانی برای کمک به بهبود فرهنگ یادگیری، راهبرد فرهنگ، شماره ۱۷ و ۱۸، ۱۳۹۱.
۴. شریعتمداری، علی، روانشناسی تربیتی، انتشارات امیرکبیر، تهران، چاپ اول، ۱۳۶۶.
۵. علیپور، وحیده، افضل خانی، مریم، فرهنگ آموزش، عاملی اجتماعی- فرهنگی و نقش آن بر توسعه آموزش مجازی ایران، فصلنامه رهبری و مدیریت آموزشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار، سال چهارم، شماره ۴، ۱۳۸۹.
۶. کردان، جعفر، نظریه آموزشی لوویگوتسکی، بی جا، بی نا، ۱۳۹۲.
۷. لطف عطا، آیناز، تأثیر عوامل محیطی بر یادگیری و رفتار در محیطهای آموزشی (ابتدایی) در شهر، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۲۱، ۱۳۸۷.
۸. آر. ان. ملامد. (۱۳۷۳). اطلاعات معماری آموزشی. نشر: مصباح.
۹. آموزگار، محمد حسن. (۱۳۸۴). اسلام و تزکیه نفس. نشر شایک. تهران.
۱۰. بی نام. (۲۰۱۱). کلاس را به میل من رنگ بزن. سایت سلامتیران. دوشنبه: ۱۳۹۰/۱۱/۱۰.
۱۱. تاجبخش، فرزانه. (۱۳۸۹). اثر رنگ‌ها بر تفکر و خلاقیت. برگرفته از کتاب روانشناسی رنگ‌ها:
۱۲. لسی تایلور، جاناتان دی. (۲۰۱۱). روان شناسی رنگ‌ها. (ترجمه: مهدی گنجی). انتشارات: خانه کتاب. تهران.
۱۳. حقیقی، سیاوش. (۱۳۷۳). از اسطوره تا واقعیت. مجلات تخصصی نور. شماره ۵۴.
۱۴. زینعلی دهشیر، اکرم. (۱۳۸۹). مدرسه زیبا. کارشناس ارشد آموزش ابتدایی. دانشگاه علامه طباطبایی. تهران.
۱۵. سلطان منش، حسن. (۱۳۶۴). سازمان‌دهی فضاهای آموزشی مدارس. نشریه: دارو و درمان. شماره ۲.
۱۶. صیامی، شروین. (۱۳۸۰). معلم، مدیریت کلاس، موانع و راهبردها. نشر: انجمن فعالیت‌های تیران.
۱۷. فرخ نیا، مینا. (۱۳۹۰). چگونه با معماری کودکان را مجذوب کنیم. روزنامه جوان: شماره ۳۵۷۳. ۹۰/۹/۲۴.
۱۸. فسا شکوه، هورآسا. (۱۳۸۱). فضای آموزشی، قواعد و معیارها. فصلنامه تعلیم و تربیت. شماره ۶.
۱۹. قاضی زاده، بهرام. (۱۳۷۵). اصول ومعیار طراحی آموزشی. نشر: سازمان نوسازی مدارس. تهران.
۲۰. معین پور، حمید. (۱۳۸۵). بررسی آموزش و پرورش کارآمد. سایت پژوهش. دوشنبه: ۲۹ آبان ۱۳۸۵.
۲۱. نصر اصفهانی، احمد رضا و معین پور، حمید. (۱۳۸۱). تأثیر جمعیت ومحیط انسانی فیزیکی کلاس درس بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان. فصلنامه تعلیم و تربیت. شماره ۷۱.

۲۲. Argote, L., Beckman, S. & Epple, D. (۲۰۰۳). The persistence and transfer of learning in industrial setting. Management science, ۳۶ (۲), ۱۴۰-۱۵۴.

۲۳. Delong, D. & Fahey, L. (۲۰۰۰). Diagnosing culture barriers to knowledge management. Academy of Management Executive, ۱۴ (۴), ۱۱۳-۱۲۷.

۲۴. Lee, Ch. & Chen, W.J. (۲۰۰۵). The effects of internal marketing and organizational culture on knowledge management in the information technology industry.

۲۵. Manohar. u. (۲۰۰۸). what are the elements of culture.

